

مدرنیته و تغییرات خانواده روستایی در کردستان
(مورد مطالعه: جامعه روستایی موکریان)*
رشید احمدی فر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

چکیده

طی چنددهه گذشته و در نتیجه مواجهه ایرانیان با امواج مدرنیته، به جرئت می‌توان گفت که در ایران به‌طور کل و در جامعه کردستان به‌طور خاص، حوزه «مسائل خانواده» بیشترین تغییرات را به خود دیده است. به گونه‌ای که ما شاهد «تغییرات ارزشی» عمده‌ای در این حوزه هستیم. داده‌های مربوط به مقاله پیش‌رو، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی مورد مطالعه، به شیوه کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای، با استفاده از فنون مصاحبه‌های عمیق و تاریخ شفاهی جمع‌آوری شده است. مراجعه‌های مجدد و چندباره به میدان مطالعه به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز و سنجش اعتبار و روایی اطلاعات گردآوری شده و نیز آزمون صحت یافته‌های نظری، تا آخرین مرحله تحقیق ادامه داشته است. در بُعد نظری، نظریه‌های جدید نوسازی و برخی نظریه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی تفسیری، راهنمای عمل بوده‌اند و مشخصاً نظریه تحول ارزشی اینگلهارت و نظریه‌های جدید نوسازی و مدرنیته بازنمایشی شده گیدنز، چارچوب مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهند. پس از انجام بیست مصاحبه فردی با نخبگان و افراد جامعه محلی و هشت جلسه بحث گروهی، اشباع نظری حاصل شد. در بخش تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، حدود ۱۸۷ مفهوم اولیه، ۱۲ مقوله جزئی و ۴ مقوله اصلی استخراج و در نهایت در قالب ارائه مقوله اصلی پژوهش جمع‌بندی شده است. با توجه به تغییرات ارزشی ایجاد شده در حوزه «نهاد خانواده»، می‌توان اذعان داشت که در نتیجه ورود عناصر مدرن به جامعه روستایی مورد مطالعه، تغییرات ارزشی و هنجاری گسترده‌ای در زیست‌جهان افراد جامعه مورد نظر و نیز ابعاد و مسائل مختلف مرتبط با «نهاد خانواده» از قبیل: روابط اعضای خانواده با یکدیگر، روابط زن و مرد، والدین و فرزندان، عشق و مسائل جنسی، عرفی شدن و زنا نه شدن خانواده، طلاق، ازدواج و سنت‌های مرتبط با آن‌ها صورت گرفته است. «شدت» و «بُعد» تغییرات فوق، ما را به ارائه نظریه زمینه‌ای «نظریه خانواده شبه‌مدرن روستایی با ویژگی‌های ایرانی-گردی» در جامعه مورد مطالعه رهنمون شده است.

واژگان کلیدی: تغییرات ارزشی، مدرنیته، نظریه زمینه‌ای، نهاد خانواده، جامعه روستایی کردستان.

* مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان»، خویش فرما

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فرهنگیان کردستان، rahmadrash76@yahoo.com

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 12, No. 1, Spring and Summer 2020

Modernity and Family Changes in Rural Kurdistan (Case Study: Rural Areas of Mukerian)

Rashid Ahmadifar¹

Received: June 5, 2020 Accepted: December 15, 2020

Abstract

During the last century and in a period of time called modern history of Iran, we have seen different changes in life of urban communities as a whole, and urban and rural Kurdistan in particular. The range and power of such changes have been in such a level that we can see “value changes” in this field. Data of this research, considering sociocultural peculiarities of the village understudy, was gathered by employing qualitative method and grounded theory and applying techniques like deep interviews, oral history and field participation. Repeated visits to the study field in order to collect the required information and measure the reliability of the collected information and also to test the theoretical validity, have continued until the last stage of the research. Theoretically, new theories of modernization and some of the theories related to interpretative sociology have been our guidelines and especially Engelhard's theory of values evolution, new theories of modernization and reflexive modernity of Giddens have formed our conceptual framework. After conducting about twenty individual interviews with elites and members of the local community and eight group discussions, theoretical saturation was obtained. In the data analysis section, about 187 basic concepts, 12 minor categories and 4 main categories have been extracted and finally summarized in the form of presenting the main category of the research. Observation, studies and “lived experience” of researcher shows the happening of different “objective- subjective” kind of changes in the “life world” of Kurdish rural areas under the influence of environmental, historical, political and cultural conditions of geographical region called “Mukerian” (located on the borders of Iraq and Turkey) in different fields among them Family and different issues in relation with family. In fact on one side we are observing “creation of some new and modern traditions” and on the other side “modernization of some old traditions” in Iranian rural community and so in Kurdistan such as family member relations with each other, relations between women and men, their parents and their children, love and sexual issues, secrecy and feminization of the family, divorce, marriage and related traditions.

Key words: Modernity, Family Institution, Grounded Theory, Value Changes, Rural Mukerian.

1. Assistant Professor of Sociology, at Farhangian University of Kurdistan, rahmadrash76@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

«خانواده» یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که در شکل‌های مختلف در هر جامعه‌ای یافت می‌شود. بقایای سکونت‌های انسان ماقبل تاریخ، دلیل روشنی بر وجود سکونت‌گاه‌های خانوادگی است که از قدیمی‌ترین نهادها بوده است، شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌شود و گذشته از وظیفه فرزندآوری، ارضای قانونی جنسی و پرورش کودک، در نتیجه استمرار نسل‌ها و بقای نوع بشر، نقش‌ها و وظایف متعدد دیگری از قبیل: فعالیت اقتصادی، آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه را نیز بر عهده داشته و دارد (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۹). روستاهای ایران به دلیل برخورداری از دستاوردهای فناورانه دنیای مدرن و به دلیل برخورداری از تسهیلات ارتباطی، در دوره‌هایی از تاریخ تحول فرهنگی-اجتماعی خود قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده را از سبک زندگی سنتی خود به سمت زندگی نوین تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل متعددی دانست که از مهم‌ترین آن‌ها ورود امکانات مدرن، بالا رفتن سطح تحصیلات روستاییان، جایگزینی نسلی، اجرای طرح‌های خدمات‌رسانی و عمرانی در روستاها و در رأس آن‌ها برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی هستند (رضوی‌زاده، ۱۳۸۳: ۵).

روستاهای ایران همانند جامعه شهری، تا قبل از تحولات مربوط به مشروطیت، به‌رغم تحولاتی که در طول قرون به خود دیده است، شاهد دگرگونی‌های اساسی و چشمگیری در شیوه تولید و یا شیوه زندگی نبوده‌اند (طالب و عنبری، ۱۳۸۲: ۷۴). می‌توان گفت که روستاهای ایران طی نیم‌قرن گذشته از نظر شیوه زندگی و ارزش‌های بنیادی فرهنگی دستخوش تغییرات مهمی شده است (خسروی، ۱۳۸۰: ۳۷). از این‌رو، دیگر نمی‌توان با رویکردهای کلاسیک که روستا را مرکز سنت و شهر را مرکز مدرنیته در نظر می‌گرفت، قائل به تمایز معرفت‌شناختی بین شهر و روستا بود و سبک‌های زندگی روستایی را کاملاً از سبک‌های زندگی شهری متمایز می‌دانست، به شناخت و فهم درست از زوایای تغییرات حادث شده در «زیست‌جهان فرد روستایی» دست یافت. در واقع با کمی تساهل می‌توان گفت که در روستاهای ایران به‌نوعی «مدرنیته روستایی ایرانی» به وجود آمده است.

ورود عناصر مدرن یا مظاهر مدرنیته به جوامع روستایی نظیر: فناوری‌های نوین ارتباطی، راه‌ها، خدمات، تحصیلات، بهداشت نوین و ... بیشترین تأثیر را در حوزه خانواده و از جمله در جامعه موکریان گذاشته است. موکریان به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی- فرهنگی که در جنوب

استان آذربایجان غربی واقع شده است، از نظر پارامترهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی واجد ویژگی‌های خاصی از جمله: درمرزبودگی، ارتباط‌های روستا شهری، سنت‌های عظیم شهری برای نمونه در مهاباد، مهد تغییرات سیاسی و تاریخی بوده است (راندل، ۲۰۰۲، کوچرا، ۱۳۷۷ و مک داول، ۱۳۸۶). برنامه‌های مختلف بهداشتی از یک طرف و شعارهای کیفیت زندگی از سوی دیگر، باعث شده‌اند که بُعد خانوار شدیداً کاهش پیدا کند، به گونه‌ای که اینک بسیاری از خانواده‌ها بدون فرزند یا بدون فرزند ذکور هستند، درحالی‌که چنین امری در جامعه قدیم روستایی قابل پذیرش نبود. مطالعه حاضر به دنبال فهم چرایی و چگونگی وقوع تغییرات فرمی - ساختاری و محتوایی در خانواده روستایی جامعه مورد مطالعه است.

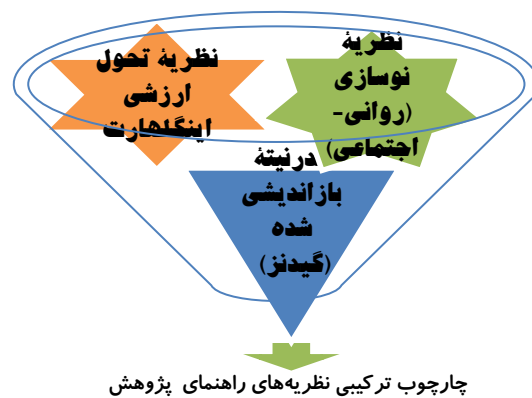
چهارچوب مفهومی

باتوجه به اهمیت و جایگاه نهاد خانواده، در جریان گذار جوامع از سنت به مدرنیته، نظریه‌های جامعه‌شناختی مختلفی درصدد فهم چرایی ایجاد تغییرات فرمی، ارزشی و هنجاری در نهاد خانواده برآمده‌اند. با این وصف، در طول دو سده اخیر خانواده ایرانی در جریان نوسازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور، تغییرات اساسی یافته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). آنچه مشخص است این است که عناصر مدرنیته خصوصاً طی دو دهه گذشته باعث ایجاد تغییرات چشمگیری در نهاد خانواده شده است. از آنجایی‌که هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد و همچنین اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی، یا به واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است، لذا بررسی و مطالعه تغییرات در حوزه خانواده، به‌ویژه تغییرات فرهنگی و ارزشی خانواده ایرانی با روش علمی، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. زیرا ارزش‌ها حلقه اتصال فرهنگ هر قوم و ملتی با نسل آینده هستند و غفلت از این مهم می‌تواند جوامع را با بحران هویت مواجه کند (مرزآبادی، ۱۳۸۷).

در چنددهه گذشته، تغییرات اقتصادی، فناوری، اجتماعی و سیاسی، فرهنگ‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. اعتقادات مذهبی، نگرش مردم پیرامون طلاق، ازدواج، سقط جنین، هم‌جنس‌بازی و اهمیتی که به داشتن بچه و تشکیل خانواده می‌دهند، همه و همه دگرگون شده و به‌طورکلی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است. تغییر و تحولات صنعتی شدن، شهرنشینی و به‌طورکلی امنیت اقتصادی کشورهای پیشرفته، به پیدایش

تغییر بین نسلی به سمت ارزش‌های پست‌مدرن و فرامادی شده است. به طوری که مردم بیشتر بر کیفیت زندگی، محافظت از محیط‌زیست و خود شکوفایی تأکید می‌کنند (اینگلهارت، به نقل از مرتضویان، ۱۳۷۷)

به طور کلی او در رهیافت نظری خود، دو سطح سیستم (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مد نظر قرار می‌دهد. بدین شکل که تغییرات محیطی و کلان در سیستم به دگرگونی-هایی در سطح فردی منجر شده و این دگرگونی‌ها دارای پیامدهایی برای سیستم است. این نظریه به دنبال فهم چرایی و چگونگی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌های پیش‌بینی کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند. در مجموع، نظریه تحول ارزشی اینگلهارت دارای دو فرضیه: «کمیابی» که بر اساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش را برای چیزهایی قائل است که عرضه آن‌ها کم است. فرضیه «اجتماعی شدن»: این اصل مبتنی بر این قضیه است که ارزش‌های اساسی فرد، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۷۹). از این رو، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را ترکیبی از نظریه‌های دگرگونی ارزشی اینگلهارت، نظریه‌های نوسازی به‌ویژه نظریه‌های روانی-اجتماعی نوسازی (آرا و اندیشه‌های متفکرانی مانند انگلس، لرنر، مک‌کله‌لند، راجرز و دیگران) و نیز نظریه‌های ملهم از آثار و اندیشه‌های وبر که به جامعه‌شناسی تفهومی مشهور است، با تأکید بر نظریه مدرنیته بازان‌دیشی شده گیدنز تشکیل می‌دهد، که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود.



شکل ۱. نظریه‌های راهنمای پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

در مقاله حاضر، از دو رویکرد نظریه زمینه‌ای و روش‌شناسی مردمی، به‌عنوان رویکردهای اصلی روش تحقیق کیفی و نیز از تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌باز و عمیق و سنج‌های غیرواکنشی (اسناد و مدارک) استفاده شده است. پژوهش کیفی در واقع تحقیقی است که یافته‌های آن با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن به‌دست می‌آید (بلیکی، ۱۳۸۴، ۳۰۱). نکته مهم در خصوص روش کیفی این است که علاوه بر مستندسازی تجربه فردی، ایدئولوژی و ذهنیت‌ها، با استفاده از آن‌ها می‌توان اطلاعاتی را در خصوص ساختارهای اجتماعی و جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی ارائه کرد (فرانزونی^۱، ۱۹۹۸: ۵۱۷). از این رو، هر تحقیق کیفی حتی اگر طراحی آن ضعیف باشد، می‌تواند اشاره‌های ارزشمندی را برای نظریه‌سازی در خود داشته باشد (ال اسوتاری^۲، ۱۹۹۶: ۳۸۲). مطالعه حاضر در جامعه روستایی موکریان واقع شده در جنوب استان آذربایجان غربی شامل: مناطق روستایی پنج شهرستان (مهاباد، بوکان، پیرانشهر، سردشت، نقده و اشنویه) انجام شده است. در تحقیق حاضر یک پدیده در زمان‌ها و مکان‌ها و با اشخاص متفاوتی مطالعه شده و از دو نوع نمونه‌گیری به‌صورت هم‌زمان استفاده شده است. این دو نوع نمونه‌گیری عبارتند از: نمونه‌گیری هدفمند^۳ و نمونه‌گیری نظری^۴. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است. ما در این مطالعه ۸ مورد گروه محوری را در دو گروه نخبگان محلی و مطلعان و افراد پیشروی روستاها انجام دادیم که اطلاعات مربوط به جلسه‌های بحث با آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات جلسه‌های بحث گروهی

ردیف	ماهیت شرکت‌کنندگان	تعداد شرکت‌کنندگان	جنسیت	محل تشکیل جلسه	مدت زمان به دقیقه	شهر-روستا
۱	مشاغل مختلف	۶	مختلط	مزرعه	حدود نیم ساعت	پیرانشهر- لک بن
۲	زنان روستایی	۵	زن	منزل یکی از آشنایان	حدود ۴۵ دقیقه	پیرانشهر- پسوه

1. fronzoni
2. Alasutari
3. Purposive sampling
4. Theoretical sampling

ادامه جدول ۱. مشخصات جلسه‌های بحث گروهی

ردیف	ماهیت شرکت کنندگان	تعداد شرکت کنندگان	جنسیت	محل تشکیل جلسه	مدت زمان به دقیقه	شهر-روستا
۳	جوانان روستایی	۵	مرد	محل دهیاری	حدود ۱/۵ ساعت	مهاباد- گوگ‌تپه
۴	معمرها	۶	مرد	حیاط مسجد	حدود یک ساعت	بوکان- حمامیان
۵	جوانان	۱۲	مرد	زمین بازی فوتبال	حدود ۲ ساعت	مهاباد- ده‌بکر
۶	شوراهای اسلامی	۹	مرد	دهیاری	حدود ۲ ساعت	پیرانشهر- سروکانی
۷	نخبگان محلی	۳	مختلط	دانشگاه	حدود ۲ ساعت	بوکان- پیام نور
۸	نخبگان محلی	۵	مرد	منزل محقق	حدود ۲ ساعت	بوکان

در تمام مراحل نمونه‌گیری و مراجعه به روستاها و انجام مصاحبه یا برگزاری جلسه‌های بحث گروهی، کوشش شد تا با قشرهای مختلف زن و مرد، پیر و جوان، تحصیل کرده و بی‌سواد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مصاحبه شود. شکل مصاحبه‌ها اغلب باز و آزاد بود و تنها در حد هدایت بحث و طرح پرسش، مداخله‌هایی صورت می‌گرفت.

اعتبار و پایایی پژوهش

در پژوهش‌های کیفی، بیشتر به موضوع اعتبار پرداخته می‌شود تا پایایی (این امر ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش کیفی است). به اعتقاد فلیک (۱۳۸۷: ۴۱۰)، یکی از روش‌های افزایش اعتبار، «باورپذیر کردن گزینشی» است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل قول‌هایی پذیرفتنی است. در پژوهش حاضر، موارد متعددی از این نقل قول‌ها به منظور باورپذیر کردن یافته‌های تحقیق بیان شده است. برای سنجش اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی به‌طور کلی و مصاحبه‌های عمیق و تاریخ شفاهی به‌طور خاص، از روش زاویه‌بندی^۱ استفاده می‌شود، که در آن سه زاویه یا منبع برای ارزیابی و صحت به کار گرفته می‌شود. به منظور بررسی صحت تاریخ شفاهی مانند سایر مدارک تاریخی- انسجام داخلی و

1. Triangulation

انجام مقایسه با سایر منابع، روش‌ها و یافته‌های پژوهشگران لازم است (محمدپور، ۱۳۸۶). زاویه‌بندی از مناسب‌ترین و پرطرفدارترین راهبردهای اعتبارسنجی در پژوهش کیفی قلمداد می‌شود. راهبرد مذکور، همگرایی مبتنی بر یافته‌ای خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریه‌ها، رویکردها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۹). علاوه بر این، مقایسه یافته‌های پژوهش با برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشین (برای نمونه، پژوهش‌های ازکیا، رفیع‌فر و محمدپور) به افزایش اعتبار یافته‌های بررسی بسیار کمک کرد. همچنین از آنجاکه به‌زعم لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، به نقل از فلیک، (۱۳۸۸: ۴۲۰) «تطابق برساخته‌های پژوهشگر با برساخته‌های افراد موردبررسی، بیانگر اعتبار و باورپذیری یافته‌های پژوهش است»، در پژوهش حاضر با «حضور طولانی‌مدت در میدان»، «مشاهده مداوم» و «چندبُعدی کردن روش» برای افزایش اعتبار آن تلاش شد.

یافته‌های پژوهش

در مطالعه پیش‌رو برای انجام بحث گروهی، پس از حضور یافتن اعضا و هماهنگی‌های اولیه، مراحل زیر به ترتیب دنبال شدند:

مقدمه بحث: محقق ابتدا ضمن ارائه توضیحاتی در خصوص اهداف این مطالعه و تأکید بر این امر که مطالعه پیش‌رو تحقیقی دانشگاهی است، به منظور آگاه ساختن حضار در جلسه، به‌طور مختصر مطالبی را درباره تاریخ معاصر ایران و سپس کردستان - که مقارن است با ورود عناصر نوسازی و مدرنیته - ذکر می‌کرد.

ورود به بحث: معمولاً با یک پرسش کلی و اصلی درباره موضوع موردبررسی و مشخصاً متغیر موردنظر وارد بحث می‌شدیم. آنگاه در حین بحث پرسش‌های جزئی‌تر و فرعی نیز برای روشن‌تر شدن ابعاد مسئله پرسیده می‌شد. بررسی عمیق هر یک از پرسش‌های اصلی و سؤال‌های جزئی‌تر در ادامه این مرحله صورت می‌گرفت.

جدول ۲. تعداد مفاهیم و مقوله‌های جزء

حوزه مورد مطالعه	تعداد مفاهیم استخراج شده	تعداد مقوله‌های جزئی استخراج شده	تعداد مقوله‌های عمده ادغام شده
خانواده	۱۷۸	۱۲	۴

فرایند مفهوم‌سازی

مفهوم‌پردازی از داده‌ها نخستین گام در تجزیه و تحلیل به شمار می‌رود. خرد کردن و مفهوم‌پردازی بدین معناست که پس از انتخاب مورد مشاهده یا جمله و یا پاراگراف، آن را به اجزایی تقسیم می‌کنیم و برای هر کدام از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها نامی را که یا نشانه آن پدیده است و یا به جای آن می‌نشیند، قرار می‌دهیم (استراوش و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۳). پس از کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آن‌ها با یکدیگر و تشکیل مقوله‌ها، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب شرکت‌کننده‌های بعدی استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌های اولیه، علاوه بر اینکه ذهن را متوجه موضوعات جدید کرد، پژوهشگران را به سمت پرسش از شرکت‌کنندگان دیگری - به خصوص از نسل‌های دیگر - در مصاحبه‌های بعدی هدایت کرد. این روند تا زمان برگزاری آخرین مصاحبه و رسیدن به مرحله اشباع ادامه یافت.

جدول ۳. نمونه‌ای از مفاهیم استخراج شده

مقوله‌ها	مفاهیم	داده‌ها
بهبود وضع زنان	تقلیل ازدواج اجباری	بیشتر ازدواج‌های قدیم ناخواسته بود، دخترها را در گهواره عقد می‌کردند.
تضعیف مردسالاری	کاهش تبعیض جنسیتی	در قدیم پسر را به این خاطر مهم می‌دانستند که بعد از ازدواج از خانه نمی‌رود و خانه را خاموش نمی‌کند.
	تغییر در ارتباط دو جنس	ذر قدیم دختر و پسر سر چشمه قرار می‌گذاشتند و دستمال و آینه و شانه به هم می‌دادند، امروز تلفن و موبایل و از پیام استفاده می‌کنند.
	کاهش ازدواج اجباری	در قدیم دختران را به خویشاوند می‌دادند، چون می‌گفتند پشت خود ماست. الان شخصیت و خانواده طرف مهم است نه خویشاوندی.
بهبود وضع زنان	تضعیف شیوه‌های سستی حل اختلاف	در قدیم وقتی قتل‌ی روی می‌داد یا زن فراری بود، کدخدا می‌رفت و می‌گفت به ما دختری بدهید تا جنگ تمام شود، امروزه صلح با دختر انجام نمی‌شود، به وسیله پول صلح می‌شود.
		در گذشته بهتر بود پسر کنار پدر باشد تا مردن، ولی امروزه با ازدواج از خانواده پدری جدا می‌شوند و این نگرش که فرزند عصای دست پیری است کم شده است.
تضعیف شبکه‌های سنتی	کاهش روابط	روابط از روی محبت و علاقه بود - ولی امروزه دیدوبازدیدها از روی اجبار است.

ادامه جدول ۳. نمونه‌ای از مفاهیم استخراج شده

مقوله‌ها	مفاهیم	داده‌ها
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	در قدیم می‌گفتند دختر باید پخته و کاردان باشد تا ازدواج کند - امروزه زیاد به کدبانویی و کاردانی اهمیت نمی‌دهند.
تضعیف مردسالاری	کاهش تبعیض جنسیتی	در مورد تعداد فرزندان در قدیم بیشتر زادوولدها به خاطر تولد پسر بود، امروزه هم این دیدگاه زیاد عوض نشده است.
		در قدیم تولد فرزندان زیاد برای کارهای کشاورزی و ... مرسوم بود، امروزه فرزند کمتر زندگی بهتر.
	گسترش برون‌همسری	ازدواج در قدیم به صورت (ژن به ژن) و ازدواج هم‌خونی یا درون فامیلی که اکثراً به زور انجام می‌شد.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	سن ازدواج در قدیم برای مردان بالای ۱۵ سال و برای دختران کمتر از ۱۵ سال نیز بود.
	کاهش تبعیض جنسی	در قدیم ارزش و احترام ویژه‌ای برای فرزندان پسر قائل بودند و امتیازهایی چون درس خواندن و شرکت در کارها و مراسم‌های گوناگون حق پسران بود و دختران از آن محروم بودند.
		در گذشته هم به علت نیاز به نیروی کار و هم اعتقاد به گناه استفاده کردن از وسایل پیشگیری از بارداری، تعداد زادوولدها بسیار زیاد بود، اما با آگاهی‌های بهداشتی امروزه جمعیت خانه‌ها کم شده است.
	تغییر در روابط بین اعضا	حس احترام به بزرگ‌ترها باعث می‌شد که پدر و مادر زیاد به فرزندان خود محبت نکنند، آن‌ها را نبوسند، نوازش نکنند و ارتباط عاطفی بین دو همسر و فرزندان بسیار کم بود.
	تغییر در روابط بین اعضا	در قدیم به علت نیت پاک و درست مردم زنان و مردان روستا بدون بدچشمی و سوءنیت به هم نگاه می‌کردند و باهم کارهای کشاورزی را انجام می‌دادند.
	تغییر در روابط بین اعضا	مردان و زنان گذشته به همدیگر به چشم خواهر و برادر نگاه می‌کردند - اما امروزه متأسفانه این گونه نیست.
	افزایش آسیب‌های اجتماعی	مهریه‌های قدیم بسیار ساده (هفت حلیبی جو) امروز هفت حلیبی (سکه طلا) است. گذشته از طلاق و ... خبری نبود، اما امروزه طلاق‌ها (باوجود مهریه و ...) بسیار زیاد است.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	در گذشته بیشتر ازدواج‌ها دختر خون‌بها بود که گاهی با مردانی مسن‌تر از پدرانشان به زور ازدواج می‌کردند.

ادامه جدول ۳. نمونه‌ای از مفاهیم استخراج شده

مقوله‌ها	مفاهیم	داده‌ها
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	چیزی به نام عشق قبل از ازدواج در گذشته زیاد معنی نداشت و اگر عشقی به وجود می‌آمد بعد از ازدواج بود.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	اکثر زن و شوهرهای گذشته قبل از عروسی و ازدواج اصلاً همدیگر را نمی‌دیدند و همه از این پدیده به عنوان امری ناخوشایند یاد می‌کنند.
	تضعیف مردسالاری	در قدیم مردسالاری تا حد بسیار زیادی وجود داشت که امروزه تقریباً خانواده سالاری، زن سالاری و فرزندسالاری جای آن را گرفته است.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	در قدیم چون بیشتر ازدواج‌ها زوری و اجباری بود، دختران برای تن دادن به این ازدواج‌ها با مرد دیگری فرار می‌کردند.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	گاهی فرار دختران با مردان مورد علاقه‌شان باعث قطع ارتباط همیشگی آن‌ها با خانواده پدر می‌شد
	افزایش آسیب‌های خانواده	هرچند امروزه دختر و پسر با تمایل خودشان باهم ازدواج می‌کنند، ولی دوام و پایداری ازدواج‌ها از گذشته خیلی کمتر است.
تضعیف شبکه‌های سنتی	تغییر در روابط	امروزه جوانان با عشق و علاقه ظاهری خود حرف بزرگ‌ترها و احترام آن‌ها را نگه نمی‌دارند ولی باز زندگی‌ها بسیار پایدار نیست.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	پیمان و تعهدهای زندگی مشترک نسبت به گذشته کمتر شده و ازدواج مانند یک بازی سرگرم‌کننده شده است.
	تغییر در الگوهای همسرگزینی	هرچند بیشتر ازدواج‌های گذشته زورکی بود. اما زنان صبر و تحمل بیشتری از زنان امروزی داشتند و مشکلات را تحمل می‌کردند.
تغییرات ارزشی	تغییر در ارزش‌های خانواده	مردان و زنان گذشته بسیار با شرم و حیا بودند. یکی می‌گفت زمان رفتن به خواستگاری در خانه عروس کر و کور شده بود.
	تغییر در ارزش‌های خانواده	دلیل موفقیت ازدواج‌های گذشته شرم و حیا و قناعت و سازش بیشتر زنان با مردان بود.
	تغییر در ارزش‌های خانواده	امروزه زندگی مصرفی و چشم‌وهم‌چشمی باعث ایجاد نارضایتی و عدم تفاهم زوجین است.
	تغییر در ارزش‌های خانواده	در قدیم عروس سوار بر اسب به خانه داماد می‌رفت و خوشبخت می‌شد. اما الان عروس سوار بر پرادو وارد خانه داماد می‌شود اما گاهی احساس خوشبختی ندارد.
گسترش روابط پولی	مادی شدن هدایا	هدیه داماد به عروس یک سیب میخک چین بود و بسیار ساده و صمیمانه، هدیه امروزه عروسک و گل و والتاین و ... است.

جدول ۴. مقولات عمده استخراج شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی، پیامدی

حوزه مورد مطالعه	مقوله های جزء	مقوله عمده	نوع مقوله (زمینه ای، تعاملی، پیامدی)
خانواده	۱- گرایش به تقارن در روابط بین اعضای خانواده (۱)	تغییرات ارزشی - هنجاری در خانواده	پیامدی
	۲- افزایش آسیب های خانواده (۲)		پیامدی
	۳- تغییرات ارزشی در خانواده (۳)		پیامدی
	۴- عرفی شدن خانواده (۵)		پیامدی
	۵- تغییر در الگوهای همسرگزینی (۴)		پیامدی
	۶- زنانه شدن خانواده (۶)		پیامدی

بخش دوم: فرایند ساخت مقوله های اصلی و فرعی (انجام کدگذاری محوری)

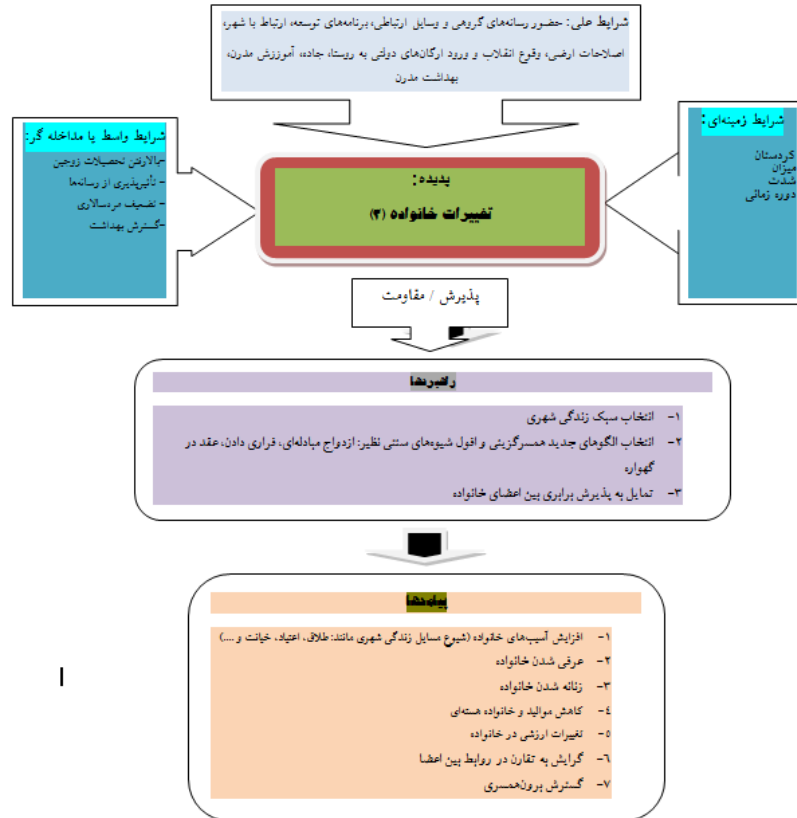
در این مرحله از تحقیق سعی خواهیم کرد تا مفاهیم و مقوله های اولیه به دست آمده در مرحله کدگذاری باز را بار دیگر و با استفاده از یک مدل پارادایمی در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار دهیم. در این مرحله نیز دو راهبرد «سوال کردن» و «مقایسه کردن» را به طور منظم مورد استفاده قرار داده ایم.

پدیده مورد مطالعه

«میگن ازدواج مانند یک هندونه است، هرچقدر هم در خرید یک هندونه تخصص داشته باشیم باز هم درصدی امکان دارد اشتباه کنید و به جای یک هندونه قرمز و سالم و شیرین هندونه بی مزه نصیبتان شود. به عبارت دیگر، هرچقدر هم قبل از ازدواج محتاط باشید و همه جوانب را بسنجید، باز هم معلوم نیست نتیجه آن ازدواج موفق باشد. ولی ازدواج در زمان حال هر چند امری سخت شده است ولی شرایطی نمی خواهد. به نظر من زندگی بنا بر خود طرفین حائز اهمیت است که با چه دیدی و با چه کسی برخورد و چگونه تعامل داشته باشیم زیرا هیچ انسانی بی عیب و نقص نیست» (مرد، حدوداً ۵۵ ساله، بی سواد).

مشخص است، در جامعه امروز، «خانواده» دستخوش تغییرات ناهماهنگی قرار گرفته و به تدریج شکل و هیئت قدیمی خود را از دست می دهد و به گونه ای جدید تطور می یابد.

در نتیجه در کارکردهای خانواده تغییراتی ناهماهنگ با تغییرات ساختی آن پدید آمده است. روابط درون خانواده، روابط میان زن و شوهر و روابط دختران و پسران و فرزندان و والدین، تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه قرار گرفته و در آن دگرگونی‌هایی پدید آمده است.



نمودار ۲. مدل پارادایمی مربوط به تغییرات در حوزه خانواده

شرایط علی

زمینه‌ای که راهبردها و پیامدهای کنش در آن گسترش یافته‌اند

به نسبت نوع خانواده‌ها، میزان تحصیلات زوجین و فرزندان آن‌ها، دوری و نزدیکی روستا به شهر و میزان تعامل و ارتباط اعضای خانواده با شهر «میزان» و «شدت» تغییرات حادث شده در مسائل مرتبط با خانواده که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد، متفاوت است. اما بایستی یادآور

شد که این تغییرات عموم خانواده‌های روستایی و حتی شهری را با درجه‌های متفاوتی از تغییر در برمی‌گیرد.

شرایط مداخله گر کنش

در جامعه روستایی مورد مطالعه که دارای ویژگی‌های پیش گفته فوق است، مجموعه‌ای از عوامل، تغییرات به وجود آمده در حوزه «مسائل مرتبط با خانواده» را تسهیل کرده است. از جمله این عوامل که بر «میزان» و «شدت» تغییرات حادث تأثیر به‌سزایی گذاشته است، می‌توان به بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات مردم اشاره کرد. در کنار تحصیلات نوین، می‌توان به نقش بسیار زیاد «رسانه‌های ارتباط جمعی» مانند تلویزیون و به‌خصوص در یک‌دهه گذشته کانال‌های ماهواره‌ای که به صورت قارچ‌گونه‌ای افزایش یافته‌اند و نیز «وسایل ارتباطی» نظیر: تلفن روستایی و به‌خصوص خطوط تلفن همراه اشاره کرد. البته نقش مسئله «گسترش بهداشت فردی و جمعی» را نیز نباید از نظر دور داشت.

از جمله موارد مداخله‌گر دیگر می‌توان به «کاهش نیاز به نیروی کار کودکان و زنان» در اثر استفاده و به‌کارگیری ابزارها و فناوری‌های جدید اشاره کرد. هرچند در برخی از روستاهای دورافتاده‌تر که سطح رفاه و معیشت مردم پایین‌تر است، هنوز استفاده از نیروی کار کودکان و زنان روستایی به‌خصوص در امور مانند: باغداری، وچین کردن مزارع چغندر قند رواج دارد. مسئله مهم دیگری که باعث تغییرات زیادی در مسائل مرتبط با خانواده شده است، «تضعیف مردسالاری» است. کاهش اقتدار مردانه اگرچه مسئله مشهودی است، اما هنوز به‌طور کلی و به‌صورت فراگیری رخ نداده است. همین مقدار از کاهش اقتدار مردانه نیز پیامدهای مثبتی به همراه داشته است، از جمله باعث «بهبود وضع زنان و کودکان» و درنهایت «گسترش تقارن در روابط بین اعضای خانواده» شده است. چنانکه یکی از مصاحبه‌شوندگان جوان و نسل سومی در این باره چنین می‌گوید:

«به نظر من جایگاه زنان تغییرات زیادی به خود دیده است. به‌عنوان مثال در قدیم در روستا و خانواده ما زن جایگاه بسیار کوچکی داشت و در تصمیم‌گیری‌ها حق کمی داشت و حرف آخر را مردان خانه می‌زدند و زنان فقط در کارهای خانه و مزرعه به مردان کمک کرده‌اند. اما الان زن‌ها در جایگاه بالایی به سر می‌برند و حتی حاضرند تنهایی سرپرستی خانواده‌ها را به عهده بگیرند. در آخر به نظر من این پیشرفت‌ها کمک زیادی به بشر کرده‌اند.» (مرد، ۲۸ ساله)

راهبردهای کنش

در حوزه مسائل خانواده، مردم روستاهای مورد مطالعه راهبردهای مختلف و متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. از جمله این راهبردها: «کاهش موالید» و گرایش به «خانواده هسته‌ای» بسیار مشهود است. امروزه به علت «گسترش بهداشت فردی و جمعی»، مردم و به خصوص نسل دومی‌ها و نسل سومی‌ها به اتخاذ راهبرد «پیشگیری از زادوولد» تمایل بیشتری پیدا کرده‌اند و از طرف دیگر، به اتخاذ راهبرد «سبک زندگی شهری» توسط روستاییان منجر شده است.

از جمله راهبردهای مورد استفاده افراد جامعه مورد مطالعه می‌توان به انتخاب «الگوهای جدید همسرگزینی» اشاره کرد که خود منتج از تغییر نگرش به «عشق و عشق‌ورزی» است. برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان در مباحث گروهی چنین ابراز عقیده می‌کند:

«... در گذشته اغلب دخترها مثل یک کالا ردوبدل می‌شدند، یا در شیرخوارگی به عقد کسی درمی‌آمدند یا در جوانی مجبور بودند به خاطر برادر یا یکی از اقوام نزدیک، تن به ازدواج با شخصی بدهند که دوست نداشتند. اما خوشبختانه اکنون دخترها همانند پسرها آزادند تا انتخاب کنند و مجبور نیستند به زور به عقد کسی در بیایند. در گذشته سن افراد یکی از شروط اصلی برای ازدواج بود، مردها باید به سن مردانگی می‌رسیدند و باتجربه می‌شدند تا بتوانند از عهده مشکلات و کارهای سخت برآیند و بار زندگی را بردوش بکشند، اکنون همان‌طور که شاهدیم افرادی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند بیشتر طالب ازدواج هستند تا افراد بزرگ‌تر. طوری که از همان دوران راهنمایی دنبال عشق‌بازی می‌روند علت آن هم کمبود محبت و اشتیاق به دوستی با جنس مخالف است». (مرد، ۴۵ ساله)

پیامدهای کنش

همان‌طور که قبلاً گفته شد، با ورود عناصر مدرن به جامعه کردستان، «مسائل خانواده» نیز دچار تغییر و تحولات شد. بالا رفتن سطح درک و آگاهی در نتیجه بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات به خصوص در میان نسل دومی‌ها و نسل سومی‌ها، باعث کم شدن حجم خانواده از یک طرف و تمایل به «استقلال فردی و خانوادگی» شد. البته این پدیده باعث تنش‌ها و «آسیب‌ها»ی در سطح خانواده‌ها نیز شده است. هرچند «جایگاه زنان و کودکان» بر خلاف گذشته بالاتر رفته و از ارزش و احترام بیشتری برخوردار شدند و زنان نیز چون مردان سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خانواده دارند، ولی باعث ایجاد نوعی آسیب‌ها نیز شد که در نهایت باعث بالا رفتن «طلاق» در بین زوجین و از هم‌پاشی برخی خانواده‌ها شد.

به‌رحال می‌توان گفت که، هرچند در گذشته مردها در خانواده روستایی صاحب اقتدار بودند و امروزه نیز در مقایسه با جامعه شهری این اقتدار را به نسبت ولی با شدت کم‌تری دارا هستند، اما اقتدار آن‌ها همواره در طول تاریخ دگرگون‌شده است. در خانواده گسترده - که شاخصه اصلی جامعه روستایی در همه‌جا و از جمله در جامعه روستایی کردستان بوده است - اقتدار پدر ناشی از مالکیت و همچنین مدیریت او در تولید بوده است. مرد نه تنها مالک وسایل تولید بود، بلکه تصمیم گیرنده در چگونگی تولید و تقسیم وظایف اعضا نیز بود. از آنجا که درآمد خانواده معمولاً به شکل نسبی بود و صرف تغذیه افراد می‌شد، تعیین سهم هریک از اعضا از درآمد مشکل بود. «در خانواده کارگری اقتدار مرد دیگر در رابطه با مالکیت او نبود. تنها وظیفه و نقش نان‌آوری مرد او را در خانه صاحب اقتدار می‌ساخت. هرچند که زنان نیز معمولاً در نان - آوری دخیل بودند، اما به دلیل حاملگی، زایمان و وجود فرزندان کوچک در خانواده، مجبور به ترک یا کاهش ساعات کاری بودند، بنابراین مرد تنها فردی بود که به‌طور منظم و ثابت درآمدی را به خانه می‌آوردند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). در این میان تغییرات به وجود آمده بر اثر استفاده از کانال‌های ماهواره، به‌خصوص شبکه‌های فارسی‌زبانی که چند سال است فعالیت خود را شروع کرده‌اند و معمولاً فیلم و سریال‌هایی با موضوع عشقی و مشروعیت روابط خارج از ازدواج را نشان می‌دهند، بسیار مشهود و قابل توجه است. پور عایشه (خاله عایشه) یکی از زنان سال‌خورده روستایی چنین می‌گوید:

« ... وقتی که ازدواج کردم کمتر از ۱۵ سال داشتم و آن وقت‌ها من با بچه‌ها مشغول بازی بودم. من خون‌بهای یکی دیگر بودم، به همین دلیل، برادرم از خانواده همسرش می‌خواهد که برای او یک دست لباس بخرند ولی خانواده داماد به خاطر اینکه ایشان خون‌بها بودند برایش لباس نمی‌خریدند. من را به‌زور عقد کردند و در این میان یکی از زن‌های روستا برای ایشان (شوهرم) دلالی می‌کرد و من را فریب داد^۱ که اینکه عقد کرده بود با شوهرش فرار کنند. من با شوهرم فرار کردم... من از ازدواج راضی نبودم به همین خاطر یک روز خونه شوهرم بودم،

۱ اصطلاح «فریب دادن» در حوزه مسائل ازدواج و روابط دو جنس به‌طور سنتی بسیار رایج بوده و کاربرد فراوانی دارد. بدین معنی که کسی که واسطه آشنا شدن دختر و پسری می‌شده است، در واقع نظر دختر را به طرف پسر جلب می‌کرد. لذا لزوماً به معنای لفظی کلمه در زبان فارسی یعنی حیله و نیرنگ نیست. بیشتر به معنای کسب رضایت و نظر موافق دختر برای ازدواج است. چنانکه ممکن است والدین دختر به پسری که خواهان ازدواج با دخترشان و یا یکی از بستگان است بگویند اگر شما بتوانی فلان دختر یا دخترم را فریب دهی ما با ازدواج شما مشکلی نخواهیم داشت.

یک روز خونه پدرم. به همین خاطر شوهرم من را خیلی کتک می زد و زندگی خیلی بدی داشتم...». (عایشه، ۷۰ساله)

فرایند ساخت و ارائه نظریه زمینه‌ای (کدگذاری انتخابی)

همان‌طور که قبلاً گفته شد، کدگذاری انتخابی^۱ بر آخرین قدم در تجزیه و تحلیل دلالت دارد: ادغام کردن مفاهیم بر محور یک مقوله اصلی و تکمیل کردن مقوله‌هایی که به گسترش و اصلاح نیاز دارند. در این موقع یادداشت‌ها و نمودارها مانند یک آینه پیچیدگی و عمق تفکری را که باعث پدیدار شدن نظریه می‌شود، نشان می‌دهند (کوربین و اشتراوس، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

جدول ۵. مقوله‌های استخراج‌شده

مقوله‌ها	حوزه مورد بررسی
۱- گرایش به تفارن در روابط بین اعضای خانواده (۱) (تضعیف مردسالاری، کاهش تبعیض جنسیتی، بهبود وضع زنان و کودکان، استقلال اعضا، توجه به تحصیلات و سرگرمی‌های فرزندان)	مسائل خانواده
۲- افزایش آسیب‌های خانواده (۲) (افزایش طلاق، تنش در خانواده، سردی روابط، اختلاف بر سر ارث، روابط خارج از ازدواج)	
۳- تغییرات ارزشی در خانواده (۳) (تضعیف شبکه‌های سنتی، افول ارزش‌های سنتی، کاهش اقتدار سنتی، تغییر نگرش به طلاق، گسترش روابط پولی)	
۴- تغییر در الگوهای همسرگزینی (۴) (کاهش ازدواج اجباری، گسترش برون‌همسری، تغییر در شیوه‌های سنتی ازدواج)	

شرایط علی مربوط به مقوله مرکزی در مدل نهایی

باتوجه به آنچه در بخش‌های قبلی و به‌خصوص در مدل‌های مربوط به بخش کدگذاری محوری به آن پرداختیم، تغییرات به وجود آمده در زوایای زندگی افراد مورد مطالعه، پیامد و نتیجه ورود مجموعه‌ای از عوامل مدرن و جدید است که از آن‌ها تحت عنوان «عناصر نوسازی» یا «عناصر مدرنیته» نام برده می‌شود. با نگاهی به نمودار شماره (۱۳) می‌توانیم برخی از عمده‌ترین این عناصر را به شرح زیر نام ببریم.

1. Selective Coding

«آموزش مدرن» و تحصیلات به سبک امروزی، شاید مهم‌ترین دلیل ایجاد تغییرات در جامعه روستایی ایران و منطقه مورد مطالعه باشد. مدارس جدید که متعاقب سر کار آمدن دولت پهلوی و سیاست‌های موسوم به «نوسازی اتوبانی و از بالا» در بیشتر مناطق شهری و روستایی تأسیس شدند، هرچند در اوایل با مخالفت برخی گروه‌های متنفذ مانند: مالکان و روحانیون مذهبی مواجه شد، اما به تدریج مورد پذیرش مردم قرار گرفت؛ به گونه‌ای که امروزه در بسیاری از روستاهای دورافتاده کردستان نیز افرادی با تحصیلات و مدارک بالای دانشگاهی یافت می‌شود. به دنبال اصلاحات ارضی روستاهای کردستان نیز مانند سایر مناطق ایران شاهد ورود انواع مختلف مظاهر زندگی مدرن شهری از جمله: رسانه‌های گروهی، ارگان‌های دولتی، نهادهای جدید اجتماعی مانند شوراها و نیز مجموعه‌ای از خدمات زیربنایی نظیر: راه، برق، آب، مخابرات و تلفن و خانه‌های بهداشت، بودیم. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، مجموعه‌ای از این عوامل باعث ایجاد تغییرات زیادی در جامعه مورد مطالعه شده است، به گونه‌ای که اینک ما شاهد وقوع پدیده «تغییرات ارزشی-هنجاری در زیست‌جهان افراد» مورد مطالعه هستیم که ما را به ارائه نظریه زمینه‌ای «شبه‌مدرنیسم روستایی» رهنمون شده است.

زمینه

زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری بسط یافته‌اند. پدیده «دگرگونی ارزشی-هنجاری» از ویژگی‌هایی مانند میزان، شدت و زمان‌مندی برخوردار است. تقریباً دگرگونی ارزشی-هنجاری در بین همه خانوارها دیده می‌شود؛ اما در برخی خانوارها بیشتر و در برخی خانوارها کمتر است. به طوری که در بین افراد متعلق به نسل دوم و به خصوص نسل سوم بیشتر مصداق می‌یابد و در بین افراد روستایی متعلق به نسل اول ضعیف‌تر است که این موضوع از شکاف نسلی بین این دو نسل - به خصوص نسل سوم - با نسل اول حکایت می‌کند. به نظر می‌رسد به تدریج با گذشت زمان، تغییر در ارزش‌ها و وجه‌نظرهای نسل جدید از میزان و شدت بیشتری برخوردار می‌شود.

پدیده: (تغییرات ارزشی-هنجاری در زیست‌جهان فرد روستایی)

اشتروس (۱۹۸۷) به نقل از مورو و اسمیت (۱۹۹۵)، معیارهای زیر را برای تعیین مقوله هسته‌ای بیان می‌کند: الف) مرکزیت یک مقوله نسبت به مقوله‌های دیگر (ب) فراوانی وقوع آن مقوله در

داده‌ها (پ) جامعیت و سهولت ربط آن به سایر مقوله‌ها (ت) روشنی دلالت‌های آن برای یک نظریه عام‌تر (ث) حرکت آن به سمت قدرت نظریه‌ها، هنگامی که جزئیات مقوله آشکار می‌شود (ج) اجازه برای حداکثر تنوع برحسب ابعاد، ویژگی‌ها، شرایط، پیامدها و استراتژی‌ها (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۲). باتوجه به مشخصات پیش‌گفته برای مقوله اصلی، به نظر می‌رسد مقوله اصلی این تحقیق که زمینه‌ساز ارائه نظریه «شبه‌مدرنیسم روستایی» شده است، دارای ویژگی‌های مورد اشاره است.

لذا، باتوجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان از وقوع پدیده «دگرگونی ارزشی-هنجاری در زیست‌جهان فرد روستایی» و آغاز فرایند تغییر سبک زندگی در مناطق روستایی کردستان سخن گفت که ممکن است در آینده از شدت، میزان و سرعت بیشتری برخوردار شود. در روستاهای کردستان فرایند دگرگونی از «ارزش و هنجارهای زندگی روستایی» به سمت «ارزش‌های زندگی شهری» با تأکید بر جهت‌گیری از «تولید و کار» به سوی «زندگی مصرفی و تن‌آسایی» مشاهده می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، در نواحی مورد مطالعه، «تغییرات گسترده ارزشی-هنجاری» در تمام زوایای زندگی افراد روستایی و به تعبیری در «زیست‌جهان فرد روستایی» در حال وقوع است. بیشترین تغییرات به وجود آمده در حوزه مسائل مرتبط با خانواده است. اینک جامعه روستایی با مسائل عمده‌ای روبه‌رو است که غالباً ریشه و منشأ شهری دارند. به نظر می‌رسد که شهر نه تنها به صدور و تحمیل ارزش‌های خود بنا به دلایلی که گفته خواهد شد، اقدام کرده است، بلکه مسائل و آسیب‌های خود را نیز مانند: اعتیاد، طلاق، انحرافات جنسی و ... به جامعه روستایی صادر کرده است. مواجهه خانواده روستایی با عوامل نوین به خصوص رسانه‌های جدید ارتباطی، آن را در گذرگاهی نامتعادل قرار داده است. از آنجاکه گسترش شاخص‌های بهداشتی زمینه‌ساز افزایش امید به زندگی شده، همین امر باعث تغییر شکل و بُعد خانواده‌های روستایی شده است. اینک گرایش به تشکیل خانواده هسته‌ای و نیز برون‌همسری و منسوخ شدن شکل‌های اجباری ازدواج را شاهد هستیم. روی هم رفته، گرایش به بهبود روابط بین زن و مرد و تقارن در روابط بین اعضای خانواده وجود دارد. همچنین در حوزه مسائل مرتبط با عشق و نیز مسائل جنسی هم تغییرات فراوانی روی داده است. برای نمونه، محمد یکی از روستاییان جوان که حدوداً ۳۰ سال دارد و دو سال است که ازدواج کرده است، در این باره چنین می‌گوید:

«... البته خیلی طبیعی است. همه چیز تغییر کرده. زندگی تغییر کرده. در گذشته به علت نوع زندگی و کمبود امکانات رفاهی پدران و مادران ما طبق عادت اجداد خود رفتار می‌کردند. زن و مرد توقع کمی از یکدیگر داشتند ولی حالا همه چیز عوض شده. توقع زنان بالا رفته. امکانات جدید می‌خواند. ببینید زنان کار کمتری دارند. وقت زیادی را پای تلویزیون و ماهواره می‌گذرانند. آن فیلم و سریال‌های عشقی و گاه‌آ صحنه‌دار می‌بینند. قبلاً زنان و دختران برای آرایش خود از داروهای گیاهی مانند: خنه، کل^۱ و لباس‌های زنانه دست‌بافت با رنگ‌های متنوع و شاد استفاده می‌کردند. حالا از انواع کرم و وسایل آرایشی تبلیغی استفاده می‌کنند. خانه بهداشت هم تأثیر زیادی داشته. در مورد مسائل زنانه، انواع بیماری‌ها، وسایل پیشگیری و تنظیم خانواده، مسائل جنسی و بسیاری از موارد دیگر به آن‌ها آموزش می‌دند. خلاصه مسائل خیلی فرق کرده و شهری و روستایی هم نمی‌شناسد.» (محمد، ۳۰ ساله، ابتدایی)

از جمله موارد دیگری که می‌توان در زمینه تغییرات مرتبط با مسائل خانواده و به‌ویژه وضع زنان و دختران به آن اشاره کرد که اتفاقاً بر روابط عشقی و مسائل جنسی هم تأثیرگذار است، می‌توان به مسئله ختنه زنان اشاره کرد. مطالعات و مصاحبه با افراد مورد مطالعه به‌خصوص در میان گذاشتن این مسئله با دو تن از بهورزان محلی، محقق را در این زمینه خاص مجاب ساخت که ما قطعاً با کاهش میزان «ختنه دختران» در کردستان روبه‌رو هستیم. هرچند ممکن است که در بعضی روستاهای دورافتاده مواردی از ختنه دختران دیده شود، اما روند کلی آن رو به کاهش است. به نظر می‌رسد که در این زمینه سطح تحصیلات والدین و به‌ویژه آگاهی‌های بهداشتی که توسط بهورزان و بهیاران و نیز برنامه‌های ماهواره‌ای که درباره مسائل زنان برنامه تولید می‌کنند، باعث ارتقای آگاهی‌های بهداشتی روستاییان شده است.

شرایط مداخله‌گر کنش

همان‌طور که گفته شد، در کنار مفهوم عوامل تغییر، واژه «شرایط تغییر» وجود دارد. شرایط یا زمینه تغییر، عناصری مناسب یا نامناسب هستند که اثر یا اثرات یک یا چند عامل تغییر را فعال‌تر یا کندتر، شدیدتر یا ضعیف‌تر می‌کنند. در واقع بستر و مبنای پذیرش یا عدم پذیرش یک یا چند

۱. مواد آرایشی سنتی که دارای منشأ گیاهی بوده که معمولاً یا در محل توسط افرادی که در زمینه دانش بومی مربوط به گیاهان دارویی مهارت و تجربه داشتند، ساخته می‌شدند و یا از افراد دوره‌گردی به نام ورده واله فروش خریداری می‌شد.

عامل تغییر هستند (طالب، ۱۳۸۲: ۶۵). شرایط مداخله‌گر، شرایطی هستند که تغییرات به وجود آمده را تسهیل کرده و یا در مواردی موانعی بر سر راه آن تغییرات به وجود می‌آورند. در این مطالعه از شرایط مداخله‌گری که به‌کارگیری راهبردها را در امر «تغییرات ارزشی-هنجاری» تسهیل یا محدود می‌کند می‌توان به «وضعیت اقتصادی»، «تحصیلات» و «تفاوت نسلی» اشاره کرد. وضعیت اقتصادی زندگی روستاییان به‌عنوان عامل مداخله‌گری است که می‌تواند این تغییرات را تسهیل کند. هرچه افراد مورد مطالعه از لحاظ اقتصادی شرایط بهتری داشته باشند، تمایل بیشتری به قبول و پذیرش «تغییرات ارزشی-هنجاری» دارند. از جمله شرایط مداخله‌گر دیگر می‌توان «تحصیلات» را نام برد. در کل، نسل‌های دوم و به‌خصوص جوانان نسل سوم، به‌علت گسترش و همه‌گیری تحصیلات در همه سطوح و بالا رفتن تحصیلات دانشگاهی، از پیشگامان تغییرات مذکور در جامعه روستایی هستند. این گروه از افراد تمایل بیشتری به «سبک زندگی شهری» از خود نشان می‌دهند و از لحاظ «گفتار»، «پوشاک»، «سبک مصرف»، «بهداشت»، «گذران اوقات فراغت» و سایر «راهبردها»ی اتخاذشده، «همدلی» بیشتری با جوانان شهری پیدا کرده و می‌کنند.

«جایگزینی نسلی» یا «تفاوت نسلی» نیز از دیگر شرایط مداخله‌گری است که با دو عامل پیش‌گفته ارتباط تنگاتنگی دارد. به‌گونه‌ای که نسل جوان و تحصیل کرده که تأثیرپذیری بیشتری هم از رسانه‌ها دارد، خود به نماد پیشاهنگی این تغییرات تبدیل شده است. با استناد به داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی محقق، می‌توان گفت آنچه در مطالعات جامعه‌شناسی نسلی با عنوان شکاف نسلی از آن یاد می‌شود در این منطقه وجود ندارد، بلکه بحث نوعی «تفاوت نسلی» مطرح است. بدین معنا که نسل‌های اول و به‌خصوص نسل دوم به‌نوعی نسل قبل و رفت‌وآمد مستمر آن‌ها به شهر، نسل دوم را بر آن داشته است تا با همراه شدن با سلیقه فرزندان، وی کمبودی را نسبت به دوستان شهری خود نداشته باشد تا وی دچار سرخوردگی ناشی از زندگی در روستا شود. تحصیلات نیز از دیگر شرایط مداخله‌گری است که بر شدت و ضعف پدیده اثر می‌گذارد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ویژگی‌های خاص منطقه مورد مطالعه، یعنی موقعیت جغرافیایی، سیاسی و تاریخی منطقه هم در «شدت» و هم «میزان» تغییرات به وجود آمده تأثیر به‌سزایی داشته است.

راهبردهای تعاملی کنش

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، «راهبرد» مکانیسم و تدبیری است که در برخورد با یک «پدیده» خاص به کار گرفته می‌شود (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۸۷). در حوزه خانواده، روستاییان از راهبردهایی چون: «توجه به تحصیل فرزندان»، «انتخاب الگوهای جدید همسرگزینی» و «تفکیک فضای خصوصی و عمومی در معماری» با تغییرات ارزشی به وجود آمده در این حوزه مواجه شوند. لازم به ذکر است که هنوز هم خانواده روستایی از جایگاه و اهمیت زیادی برخوردار است و بسیاری از تصمیمات مرتبط با زندگی اعضا در کانون خانواده اتخاذ می‌شود، اما طی سالیان اخیر افراد تمایل بیشتری به پذیرش «برابری و تقارن در روابط بین اعضای خانواده» از خود نشان داده‌اند. به عبارت دیگر، زنان و کودکان از جایگاه بهتری برخوردارند و بیش از قبل در تصمیمات مربوط به خانواده دخالت داده می‌شوند و یا طرف مشورت قرار می‌گیرند.

همان‌طور که اشاره شد و از نمودار شماره (۳) بر می‌آید، از جمله راهبردهای دیگری که روستاییان مورد مطالعه در مواجهه با ورود عناصر مدرن و امواج مدرنیته به قلمرو زیست‌جهان‌شان به کار می‌گیرند، «توجه به مدیریت بدن»، «رفاه‌جویی و تن‌آسایی» و «بروز و گسترش روزافزون تمایلات زنانه» آنچه را که ما از آن تحت عنوان «زنانه‌شدگی خانواده» البته با شیئی ملایم در مقایسه با جامعه شهری، نام می‌بریم، است. در این ارتباط گسترش بهداشت به خصوص در قالب خانه‌های بهداشت و بیمه‌های روستایی باعث شده است تا روستاییان مورد مطالعه نسبت به «راه‌های پیشگیری و کنترل موالید»، «روابط عشقی و جنسی»، «تفکیک فضای خصوصی و عمومی در معماری خانه‌های روستایی» که آزادی و انتخاب بیشتری برای اعضای خانواده به‌ویژه زوج‌های جوان فراهم کرده است، تعبیه حمام و دستشویی، استفاده و به‌کارگیری مواد آرایشی و انواع محرک‌های جنسی که به‌طور مداوم از رسانه‌های جمعی به خصوص کانال‌های ماهواره‌ای تبلیغ می‌شوند، اطلاع بیشتری داشته باشند و رغبت زیادی نسبت به پذیرش تن و «تن به‌مثابه یک رسانه» داشته باشند.

پیامدهای به‌کارگیری راهبردها

به‌کارگیری هر یک از راهبردها، پیامدهای مربوط به خود را در پی دارد. مثلاً اتخاذ راهبرد «تغییر وسایل منزل»، به افزایش سطح نیازهای روستاییان، گسترش مصرف‌گرایی، تغییر در عادات و

الگوی مصرفی، گسترش خانواده هسته‌ای و رفاه‌جویی و تن‌آسایی روستاییان منجر می‌شود. تشویق والدین به ادامه تحصیل فرزندان و سرمایه‌گذاری آنان در زمینه تحصیل فرزندان به‌خصوص دختران روستایی، پیامدهای پدیدار شدن روحیه رفاه‌جویی، افزایش سطح انتظارات، عدم تمایل به انجام فعالیت‌های کشاورزی و دام‌داری جوانان و حرکت جامعه به سمت الگوهای فردگرایانه را در پی داشته است که در قسمت‌های قبلی در مورد هر یک از آن‌ها توضیحاتی داده شد.

جمع‌بندی و تحلیل پایانی

ورود عناصر مختلف نوسازی از حدود یک‌سده پیش به جامعه روستایی کردستان، که البته طی یک‌دهه گذشته «شدت» و «همه‌گیری» بیشتری یافته است، باعث شده روستاییان هرچه بیشتر به زندگی پر زرق و برق شهری که اصالتاً ماهیتی «مصرفی» دارد، گرایش پیدا کنند (احمدرش، ۱۳۸۱). «بهبود نسبی وضع اقتصادی» مردم به‌ویژه پس از سال‌های جنگ و پشت سر گذاشتن ناامنی‌های اوایل انقلاب (به نظر می‌رسد که دو مسئله گسترش نسبی کشاورزی و مراودات رسمی و غیررسمی مرزی در این زمینه تأثیر به‌سزایی داشته است)، باعث افزایش «امید به زندگی» شده است که به‌خصوص خود را در شکل «کنترل موالید»، پیشگیری و مداوای بسیاری از بیماری‌های مسری مانند جذام و نیز بهبود نسبتاً خوب شاخص‌های بهداشتی در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. تغییر سبک مذبور نه تنها خود را در استفاده گسترده از وسایل و امکانات شهری وسایل و دکوراسیون منزل، بلکه در معماری روستا، مصالح به‌کاررفته، مقاوم‌سازی مسکن روستایی، اجرای طرح‌های هادی نیز نشان می‌دهد. چنان‌که ما در حوزه معماری روستایی شاهد تحقق نسبی نوعی «عدالت و آزادی در تفکیک فضا» هستیم. موارد پیش‌گفته حاکی از غلبه «فرهنگ شهری» در روستاهاست. البته «فاصله از شهر» و یا «راه‌های ارتباطی» بر «شدت» و «میزان» پدیده مذبور تأثیر دارد.

در گذشته به دلیل عدم وجود راه‌های ارتباطی روستایی، عدم وجود کانال‌های ارتباطی، فقدان وسایل ارتباط جمعی در روستاها و بی‌سوادی روستاییان، روند تغییرات اجتماعی در روستا کند بوده است؛ ولی امروزه به‌واسطه وجود عوامل فوق‌شاهد وقوع تغییراتی در جامعه روستایی هستیم که از روندی سریع‌تر نسبت به گذشته برخوردار شده است (ازکیا، ۱۳۷۸: ۱۶۶). در واقع ما اکنون بعد از سپری کردن «روستازدگی شهرها»، شاهد شکل‌گیری پدیده «شهری‌شدن

روستاها» هستیم. تغییرات بسیاری در ابعاد مختلف زندگی روستا به وجود آمده است و این تغییرات را می‌توان در اغلب روستاهای ایران مشاهده کرد.

جامعه روستایی موکریان نیز تابعی از تغییرات حادث شده در سطح جامعه ایران به‌طورکلی و جامعه شهری موکریان به‌طورخاص شاهد تغییرات عمده‌ای در نهاد خانواده بوده است. این تغییرات در خانواده روستایی موکریان به‌طور عمودی و افقی بوده است. شاید به‌جرت بتوان گفت که در جامعه کردستان، بیشترین تغییرات در حوزه «مسائل خانواده» روی داده است. به‌گونه‌ای که ما شاهد «تغییرات ارزشی» عمده‌ای در این حوزه هستیم. امری که با نظریه تحول ارزشی اینگلهارت نیز هم‌خوانی دارد. ازجمله شاخصه‌های این تغییرات می‌توان به «گرایش به تقارن در روابط بین اعضای خانواده» اشاره کرد که پیامدهای آن مواردی چون: «تضعیف مردسالاری»، «کاهش تبعیض جنسیتی»، «کاهش خشونت» و «بهبود وضع زنان و کودکان»، «استقلال نسبی اعضا»، «توجه به تحصیلات و سرگرمی‌های فرزندان» را شامل می‌شود. همان‌طور که گفته شد، ما اینک شاهد «تضعیف شبکه‌های سنتی»، «افول ارزش‌ها و اقتدار سنتی»، «تغییر نگرش به طلاق، روابط بین دو جنس، مسئله عشق و سکس و ...» هستیم. الگوهای سنتی ازدواج و همسرگزینی تا حدود زیادی تغییر پیدا کرده است و با الگوهای شهری هماهنگ‌تر شده است. برای نمونه، ما شاهد کاهش ازدواج‌های اجباری، کاهش ازدواج‌های درون‌گروهی و فامیلی و شیوه‌های سنتی ازدواج و مراسم متعلق به آن هستیم. در بسیاری از روستاها به‌ویژه روستاهای بزرگ و نزدیک‌تر به شهر، شکل و نوع مراسم ازدواج کاملاً حالت شهری به خود گرفته است. ازدواج‌ها معمولاً در تالارهای شهری بزرگ برگزار می‌شود که نوع مراسم و چگونگی پذیرایی از میهمانان هیچ‌گونه تفاوتی با مراسم شهری ندارد. نکته دیگر اینکه به‌طور سنتی ازدواج در روستاها در فصل‌های غیر از بهار و تابستان و به‌خصوص در ماه‌های آخر پاییز و حتی صرفاً در روزهای خاصی مانند دوشنبه و پنج‌شنبه برگزار می‌شد، این مسئله هم دیگر چندان رعایت نمی‌شود و روستاییان خود را به ماه یا روز خاصی مقید نمی‌دانند. این یافته با نتایج پژوهش‌های محمدپور (۱۳۸۳)، کومار (۱۳۸۱)، پو^۱ (۲۰۰۴) و کامبل^۲ (۲۰۰۸) هم‌خوانی دارد.

1. Poo
2. Cambell

آنچه مشخص است این است که در جامعه مورد مطالعه نوعی «گرایش به تقارن در روابط بین اعضای خانواده» مشهود است. منظور ما این است که از لحاظ فرهنگی و ارزشی و با در نظر گرفتن عوامل علی و مداخله‌گر می‌توان گفت که «اعتقاد به برابری بین دو جنس» هم بین زن و شوهر و هم فرزندان دختر و پسر در حال افزایش است. هرچند بایستی این نتیجه‌گیری را با کمی احتیاط انجام داد و قید «نسبی» را به آن افزود. یعنی این تغییر نگرش نسبی است و بیشتر در مقایسه با گذشته است و نه در مقایسه با جامعه شهری و یا احتمالاً سایر جوامع روستایی کشور و یا سایر مناطق جهان. در هر حال، ذکر این نکته لازم و ضروری است که در مجموع موارد ما جامعه روستایی مورد مطالعه را هرچند در یک بازه زمانی نزدیک به نیم‌سده مورد مطالعه قرار داده‌ایم، ولی همواره آن را با گذشته خود آن جامعه و به‌ویژه پیش از مواجهه با «عناصر مدرن» مقایسه کرده‌ایم. در ارتباط با روابط بین اعضای خانواده به‌خصوص مسائل مرتبط با «ازدواج و عشق‌ورزی» و «تغییرات ارزشی» از جمله شکل‌های سنتی ازدواج مانند: ازدواج ربایشی، مبادله زن در مقابل زن، عقد در گهواره، کوچک در مقابل بزرگ و یا خشونت خانوادگی و ... روی داده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، هرچند جامعه روستایی به‌طور کل متأثر از تغییرات مذکور است اما «شدت» و «میزان» این تغییرات در بین نسل‌های دوم و به‌خصوص نسل سوم‌هایی که غالباً تحصیل کرده بوده و با مظاهر جامعه شهری ارتباط بیشتری دارند، بیشتر از نسل اولی‌های غالباً سال‌خورده و بی‌سواد است و این امر مؤید انطباق با نظریه تحول ارزشی اینگلهارت (۱۳۸۹) است. همچنان‌که اشاره کردیم، هرچه بیشتر می‌گذرد ما به این واقعیت بیشتر پی می‌بریم که «روستا تداوم شهر» است. در واقع «روستا حیاط خلوت شهر» است. برای همین، نباید چندان متعجب شد که مسائل و آسیب‌های شهری از انواع مختلف و به‌خصوص در حوزه خانواده به روستاها هم تسری پیدا کند. چنان‌که در بسیاری از روستاهای مورد مطالعه شاهد آسیب‌هایی نظیر: طلاق، اعتیاد، تنش در خانواده، اختلاف بر سر ارث و میراث، روابط خارج از خانواده و ... هستیم. همه موارد پیش‌گفته در حقیقت تأییدی بر وقوع «تغییرات ارزشی در خانواده» است. نکته آخر این‌که بایستی متذکر شد که به‌رغم همه تغییرات به وجود آمده در «زیست جهان افراد روستایی»، هنوز هم دست‌کم در روستاهای کردستان روح زندگی می‌تپد و روستا با همه تغییراتی که کرده است، هنوز هم روستاست.

در نهایت بایستی گفت که مشاهدات، مطالعات و «تجربه زیسته» محقق حاکی از وقوع تغییرات متعدد و متنوع «ذهنی-عینی» در «زیست‌جهان» روستایی ایرانی و به تبع آن روستایی گُرد تحت تأثیر شرایط محیط طبیعی، قرار گرفتن در نوار مرزی و مجاورت با سه کشور عراق، ایران و ترکیه، شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی خاص منطقه جغرافیایی موسوم به «کردستان» در ابعاد و در مسائل مختلف مرتبط با «خانواده» از قبیل: روابط اعضای خانواده با یکدیگر، روابط زن و مرد، والدین و فرزندانشان، عشق و مسائل جنسی، طلاق، ازدواج و سنت‌های مرتبط با آن‌ها، همه و همه نشان از «تغییرات نهاد خانواده» دارد. همه تغییرات فوق ما را به ارائه یک نظریه زمینه‌ای رهنمون شده است. در واقع ادعای نظری این مقاله شکل‌گیری نوعی «نظریه خانواده شبه‌مدرن روستایی با ویژگی‌های ایرانی-کردی» در کردستان است. ملاحظه نتایج تحقیق حاضر توسط برنامه‌ریزان توسعه و متصدیان فرهنگی و اجتماعی می‌تواند تا تغییرات حادث‌شده در مسائل مختلف مرتبط با نهاد خانواده در کردستان و خصوصاً در کردستان روستایی مورد توجه جدی قرار گیرد. بدیهی است سیاست‌گذاری‌های نامتکی بر مطالعات میدانی، به علت فقدان شناخت درست یا عدم شناخت مسائل فرهنگی مورد اشاره در جامعه کردستان، منطقاً نمی‌تواند گره‌ای از مسائل متعدد این منطقه بگشاید.

منابع

- آزاد ارمکی. تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- احمدرش. رشید (۱۳۸۱). درآمدی بر موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه در کردستان. مطالعه موردی؛ شهرستان پیرانشهر. *فصلنامه تحلیلی-پژوهشی زاگرس*. سال اول. شماره اول. صص. ۵۳-۴۲.
- ازکیا. مصطفی و ایمانی جاجرمی. حسین (۱۳۹۰). *روش‌های کاربردی تحقیق*. کاربرد نظریه بنیانی. جلد دوم. تهران: انتشارات کیهان.
- ازکیا. مصطفی و ایمانی. علی (۱۳۸۶). *رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی*. تهران: نشر نی.
- ازکیا. مصطفی (۱۳۷۸). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: اطلاعات.
- ازکیا. مصطفی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- ازکیا. مصطفی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: مؤسسه نشر کلمه.

- اشتراوس. آنسلم و کوربین. جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی. نظریه منبایی. رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اینگلهارت. رونالد (۱۳۷۷). *نوسازی و پسانوسازی*. ترجمه علی مرتضویان. *فصلنامه ارغنون*. شماره ۱۳.
- اینگلهارت. رونالد (۱۳۸۹). *نوسازی. تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه یعقوب احمدی. تهران: انتشارات کویر.
- بلیکی. نورمن (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- خسروی. خسرو (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: نشر فرس.
- ذکائی. محمدسعید (۱۳۸۱). «نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی». شماره ۷. ۵۶-۶۲.
- راندل. جاناتان (۲۰۰۲). *تحلیل مسائل سیاسی کردستان*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانید.
- رضوی‌زاده. نورالدین (۱۳۸۳). *بررسی تأثیر ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی*. پایان‌نامه دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ساروخانی. باقر (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- طالب. مهدی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طالب. مهدی با همکاری موسی عنبری (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلیک. اوه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- فوران. جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- کوچرا. کریس (۱۳۷۷). *جنبش ملی کرد*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: انتشارات نگاه.
- کومار. کریشان (۱۳۸۱). *مدرنیزاسیون و صنعتی‌شدن*. ترجمه منصور انصاری. در کتاب *جامعه‌سنجی و جامعه‌مدرن*. ویراسته مالکوم واترز. تهران.
- لفت ویچ. آدریان (۱۳۷۸). *دموکراسی و توسعه*. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
- محمدپور. احمد (۱۳۹۰). *صدروشن: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. جلد دوم. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور. احمد (۱۳۸۶). *فرایند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی*. مطالعه موردی: شهرستان سردشت. *نامه انسان‌شناسی*. دوره اول. شماره پنجم. صص. ۴۶-۳۳.

محمدپور. احمد (۱۳۸۳). بررسی جامعه‌شناختی/ تطبیقی فرایند و وضعیت کم‌توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی در کردستان ایران (در دوره‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵). *فصلنامه ادبی/اجتماعی زیربار*. دوره جدید. سال هشتم. شماره ۵۵. صص. ۲۹-۲۳.

مرزآبادی. ا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان. *مجله علوم رفتاری*. ۱۱۷-۱۲۶.

مک‌داول. دیوید (۱۳۸۶). *تاریخ معاصر کرد*. ترجمه ابراهیم یونسی. چاپ سوم. تهران: نشر پانید.

مور. ویلبرت (۱۳۸۱). *تغییر اجتماعی*. ترجمه پرویز صالحی. تهران: انتشارات سمت.

میر. جرالده؛ استگلینتز. جوزف (۱۳۸۴). *آینده در چشم‌انداز پیشگامان اقتصاد توسعه*. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نشر نی.

نیکیتین. واسیلی. (۱۳۶۶). *کرد و کوردستان*. ترجمه محمد قاضی. چاپ دوم. تهران: انتشارات نیلوفر.

Alasutari, P. (1996). *Researching Culture: qualitative method and cultural studies*, London: sage.

Cambell, M.J., (2008). *New Technology and Rural Development: the social impacts*, Rutledge, London.

Fronzoni, R. (1998). Narrative Analysis for Why (and how) *Sociologists*, Vol. 24. 131-142.

Kalogeraki, S., (2009). The Divergence Hypothesis in Modernisation Theory across Three European Countries: the UK, Sweden and Greece, *Culture Unbound*, Volume 1, PP. 161-178.

Poo, E. Paul, (2004). *The Process of Modernization in Rural Areas and the Reasons for the Crisis Ethical System*, Auckland University of Technology.